

انتخاب تذکره تقی اوحدی:

# معرفی و تحلیل اثری نویافته از سراج الدین علیخان آرزو

۱۰۹-۱۲۵

**چکیده:** مقاله حاضر می‌کوشد به معرفی نسخه خطی که گزیده‌ای از عرفات العاشقین نوشته تقی اوحدی است و در کتابخانه جان ریلندز دانشگاه منچستر نگهداری می‌شود، بپردازد. این نسخه با وجود اهمیت در مطالعات تاریخ ادبیات و نقد ادبی، سال‌ها دست‌نخورده باقی مانده است. اگرچه نام نسخه مذکور در برخی فهرس ذکر شده، هویت گردآورنده و ماهیت متن آن تاکنون ناشناخته بود. نگارنده توفیق یافت برای نخستین بار، مؤلف-کاتب ناشناخته این مجموعه را شناسایی کند و از مطاوی اثر آگاهی دقیق پیدا نماید. این گزیده با عنوان «انتخاب تذکره تقی اوحدی» توسط خان آرزو و با دست‌خط خود وی نوشته شده است که در آن گلچینی از اشعار عرفات و شرح احوال تعدادی از شاعران را آورده است. در مقاله حاضر، نخست به معرفی و پیشینه تاریخی نسخه و سپس به تحلیل ارزش و اهمیت آن و افق‌های نایافته‌ای که از تعامل تذکره‌نویسان با تذکره عرفات و تأثیر آن در فرآیند شکل‌گیری تذکره‌های پس از خود فراروی ما می‌گشاید، پرداخته می‌شود.

**واژگان کلیدی:** خان آرزو، تقی اوحدی، انتخاب تذکره اوحدی، عرفات العاشقین، کتابخانه جان ریلندز، تذکره، تاریخ ادبیات، مجموعه، نقد



## معرفی نسخه

میان نسخه‌های محفوظ در کتابخانه جان ریلندز دانشگاه منچستر انگلستان، نسخه نفیسی نگهداری می‌شود که تاکنون از چشم محققان به دور مانده است. این نسخه که با عنوان «انتخاب تذکره تقی اوحدی» و با شماره ۶۳۵ در کتابخانه مذکور نگهداری می‌شود، از جنبه‌های متعدد تاریخی و ادبی نفیس و ارزشمند است.<sup>۱</sup> این نسخه همان‌گونه که از نامش پیداست، گزیده‌ای از تذکره جامع و وزین عرفات العاشقین و عرصات العارفین تقی اوحدی است. نسخه مورد نظر ۶۱ برگ دارد که هر برگ با ابعاد ۲۶۰×۱۴۰ میلیمتر، در دو ستون چلیپای ۱۳ سطری و یک ستون افقی حایل بین آنها به خط شکسته نستعلیق نوشته شده است. این مجموعه توسط سراج الدین علیخان آرزو (م. ۱۱۶۹ق) نویسنده و محقق برجسته قرن دوازدهم هجری در هند فراهم شده است. صفحه اول با این عبارت آغاز می‌شود: «هو العلی العظیم انتخاب تذکره تقی اوحدی بلیانی که یکصد و هفتاد هزار بیت مکتوبست که درین ایام اتفاق مطالعه افتاد» و با درج اشعاری از شاعران متقدم از جمله خواجه ابوالحسن خرقانی، بایزید بسطامی و ابوسعید ابوالخیر ادامه می‌یابد.<sup>۲</sup> در دو برگ آغازین اشعار انتخاب شده به رنگ سیاه و شرح حال مختصر شاعر به رنگ شنگرف نوشته شده است؛ اما در بقیه صفحات بیشتر از رنگ سیاه برای نوشتن استفاده شده است. در فهرست‌های موجود از جمله در فهرست دستی لیندزیانا،<sup>۳</sup> این نسخه به اشتباه با عنوان «تذکره تقی اوحدی» (عرفات العاشقین) معرفی شده است و محتوای آن را نیز فقط شامل اشعار این تذکره دانسته‌اند؛<sup>۴</sup> درحالی‌که همان‌طور که پیش‌تر ذکر شد، این نسخه منتخبی از تذکره عرفات العاشقین است که دربرگیرنده اشعار و نیز شرح احوال شاعران است.

## پیشینه تاریخی نسخه

اگرچه نسخه مذکور فاقد انجامه است، با توجه به اینکه توسط خان آرزو و پیش از تألیف مجمع النفائس کتابت شده است، باید قبل از ۱۱۶۴ق که سال تکمیل آن تذکره است، نوشته شده باشد. افزون بر این آرزو در مقدمه مجمع النفائس ذکر کرده قبل از تألیف مجمع النفائس، گزیده‌ای از عرفات

۱. خان آرزو از عنوان «تذکره تقی اوحدی» به جای «عرفات العاشقین» استفاده می‌کند؛ به دلیل اینکه همان‌طور که خود در شرح احوال تقی اوحدی بیان کرده است، در عصر او کتاب عرفات با عنوان «تذکره تقی اوحدی» شهرت داشته است (نک: مجمع النفائس، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۲۹۱).

۲. با توجه به اینکه تعداد ابیات مندرج در عرفات العاشقین هفتاد تا هشتاد هزار تخمین زده شده است، مشخص نیست چرا آرزو چنین رقمی را نوشته است. آرزو در تذکره مجمع النفائس رقم ابیات عرفات را هفتاد و پنج هزار نوشته است، به همین دلیل احتمال دارد عدد مزبور نتیجه حدس کلی او بوده باشد و بعد از مطالعه عرفات، آگاهی دقیق‌تری از تعداد ابیات پیدا کرده و در مجمع النفائس منعکس کرده است.

3. *Lindesiana*.

4. Crawford, James Ludovic Lindsay and Kerney, M. P. *Bibliotheca Lindesiana. Hand List of Oriental Manuscripts*. Priv. print. [Aberdeen university press], 1898, 223.

العاشقین و چند تذکره دیگر فراهم کرده بوده است.<sup>۵</sup> در صفحه اول دو تاریخ دیده می‌شود؛ یکی به شنگرف به تاریخ رمضان ۱۲۳۷ هجری قمری و دیگری به تاریخ چهارم ربیع الاول ۱۲۶۳ هجری قمری. همچنین نسخه مهور به سه مهر قرمز رنگ است که متعلق به پادشاهان اوده در لکهنو هند در قرن سیزدهم هجری با مشخصات ذیل است:

\* «خوش است مهر کتب خانه سلیمان جاه بهر کتاب مزین چو نقش بسم الله ۱۲۴۴»

\* «ناسخ هر مهر شد چون شد مزین بر کتاب خاتم امجد علی شاه زمان عالی جناب ۱۲۶۰»

\* «خاتم واجد علی سلطان عالم بر کتاب ثابت و پر نور بادا تا فروغ آفتاب ۱۲۶۳»

با توجه به اطلاعات مهرهای درج شده، این نسخه ابتدا در کتابخانه سلطنتی اوده در دوره شاهانی چون ناصرالدین حیدر شاه دومین پادشاه اوده (حک. ۱۲۵۳-۱۲۴۳ق)، امجد علی شاه چهارمین پادشاه اوده (حک. ۱۲۶۳-۱۲۵۸ق) و واجد علی شاه (حک. ۱۲۷۲-۱۲۶۳ق) آخرین پادشاه اوده در لکهنو نگهداری می‌شد. افزون بر این یک مهر مربع با عبارت «نینکا بیگ جان نثار حسین ۱۲۳۰» وجود دارد که بالای آن کلمه «تحویل» درج شده است. این مهر احتمالاً متعلق به کتابدار کتابخانه سلطنتی شاهان اوده باشد و سال ۱۲۳۰ ق نیز تاریخ انتقال نسخه به این کتابخانه باشد که یک سال پس از به سلطنت رسیدن غازی الدین حیدر شاه (حک. ۱۲۴-۱۲۲۹ق)، آخرین نواب و نخستین پادشاه اوده است. یادداشت دیگری با عبارت «ماه رمضان ۱۲۳۷» به رنگ شنگرف در ابتدای برگ اول نوشته شده است. در برگ اول یادداشتی با این عبارت: «بتاریخ چهارم ربیع الاول ۱۲۶۳ هجری به (؟) رسیده» درج شده است. به نظر می‌رسد این تاریخ مربوط به انتقال نسخه به کتابخانه واجد علی شاه باشد که تنها چند روز پس از به سلطنت رسیدن او در ۲۷ صفر ۱۲۶۳ انجام گرفته است. بعد از درگذشت واجد علی شاه و برچیده شدن بساط پادشاهی این سلسله، این نسخه به همراه نسخه‌های متعدد دیگری توسط کلنل جرج ویلیام همیلتون (۱۸۶۸-۱۸۰۷م)<sup>۶</sup> که از سال‌های ۱۸۲۳ تا ۱۸۶۸م در هند خدمت می‌کرد. از کتابخانه سلطنتی اوده خریداری و به انگلستان منتقل شده است.<sup>۷</sup> از میان نسخه‌های موجود در مجموعه همیلتون، تعداد ۳۲۵ نسخه به کتابخانه بریتانیا<sup>۸</sup> منتقل شده است و مابقی از جمله نسخه مورد بحث توسط الکساندر لیندسی (۱۸۸۰-۱۸۱۲م)<sup>۹</sup> در سال ۱۸۶۸م خریداری شده

۵. مجمع النفائس (۱۳۸۳)، ج ۱، ص ۴۴.

6. Colonel George William Hamilton.

۷. گفته می‌شود تعداد معتابهای از نسخه‌های خطی فارسی و عربی که در کتابخانه سلطنتی اوده نگهداری می‌شده است، توسط کلنل ویلیام همیلتون تصرف شده و به انگلستان انتقال یافته است. نک: ۱۴۱، ۱۰۴، E. Littell & Son (۱۸۵۸).

8. The British Library.

9. Alexander Lindsay.

است. سپس مجموعه نسخه‌های متعلق به خانواده لیندسی توسط جیمز لیندسی (۱۹۱۳-۱۸۴۷م)<sup>۱۰</sup> در سال ۱۹۰۱م به انریکتا ریلندز (۱۹۰۴-۱۸۴۳م)<sup>۱۱</sup> فروخته شده است. این نسخه پس از آن به کتابخانه جان ریلندز در دانشگاه منچستر منتقل شده است و تاکنون در آنجا نگهداری و حفاظت می‌شود.<sup>۱۲</sup>

متن نسخه که توسط خان آرزو نوشته شده است در برگ ۵۹ به پایان می‌رسد و در این برگ، یادداشتی درج شده است که درباره شرایط کتاب توضیح داده و نوشته است: «... که این لب لباب اوحدی جلد نبوده مصنف به چنین ابتری‌ها در شیرازه بسته که اگر اول موخر شد، موخر اول ماند و کسی بار دگر هم درست ننموده اگر اوراق متفرق در همین نسخه موجود درست باید کرد و فقط مظه‌ری نمود؟». چون بدست این تذکره طیار نمودم اسامی شش صد هشتاد و هشت شعرا بشمار آمدند.<sup>۱۳</sup> این یادداشت با ساختار کتاب تناسب دارد؛ به این معنی که برگه‌های آغازین و پایانی آن از نظر سبک خط و نظم و ترتیب نوشته‌ها مشابه است؛ از این رو اگر نسخه را از اول و ملاحظه کنید، یک‌دست به نظر می‌رسد؛ حال آنکه صفحات میانی متفاوت است. افزون بر این بخش آغازین (ص ۲۲-۱) دربرگیرنده شاعرانی است که نام‌شان با حروف «الف» و «ب» آغاز می‌شود، بخش میانی (ص ۷۴-۲۳) دربردارنده نام شاعران با حروف الفبایی «د» تا «ع» است و بخش پایانی (ص ۱۲۲-۷۴) با نام شاعران با حرف «ج» آغاز می‌شود و با حرف «ب» خاتمه می‌یابد. بنابراین ترتیب نام‌نظم صفحات، یک‌دست نبودن شیوه نگارش مؤید این است که بخش میانی نسخه متأخرتر از دو بخش دیگر نوشته شده است و شیرازه‌بندی نسخه بیانگر ترتیب صفحات نیست. گفتنی است در چند برگ پایانی، اشعار کامل هفت‌بند حسن کاشی (متوفی ۷۲۶ ق) که ۹۱ بیت و در مدح علی بن ابی‌طالب (ع) سروده شده، به خط خوش نستعلیق و در دو ستون چلیپا و یک ستون در میان، با این مطلع «السلام ای سایه‌ات خورشید رب العالمین / آسمان عز و تمکین، آفتاب داد و دین» آمده است. با توجه به اینکه شاهان اوده شیعه بوده‌اند، به احتمال زیاد این اشعار در زمان نگهداری این اثر در کتابخانه سلطنتی ایشان به نسخه اضافه شده است.

### ارزش نسخه «انتخاب تذکره تقی اوحدی»

همه‌گزینش‌هایی صورت‌گرفته از کتاب عرفات، از جهات مختلف حائز ارزش و اهمیت ادبی و تاریخی است؛ اما نسخه «انتخاب تذکره تقی اوحدی» ارزش و اهمیت منحصر به فردی دارد که در سطرهای آتی به مهم‌ترین آنها اشاره می‌شود:

10. James Lindsay, 26<sup>th</sup> Earl of Crawford.

11. Enriqueta Rylands.

۱۲. برای اطلاع بیشتر از مختصات فیزیکی نسخه رک به:

[https://www.fhrist.org.uk/catalog/manuscript\\_7137](https://www.fhrist.org.uk/catalog/manuscript_7137).

13. MS 635, 59a.

## ۱. مؤلف نسخه

یکی از ارزش‌های بنیادین این نسخه آن است که توسط خان آرزو یکی از محققان و ادبای طراز اول قرن دوازدهم هجری قمری در هند تصنیف و کتابت شده است. آرزو یکی از محققان پرکار قرن دوازدهم است که آثار متعددی را در زمینه فرهنگ‌شناسی، نقد ادبی و تاریخ ادبیات فارسی پدید آورده است.<sup>۱۴</sup> از جمله این آثار می‌توان به تذکره عمومی مفصل و انتقادی او با عنوان مجمع النفائس اشاره کرد که مؤلف در آن به طرح دیدگاه‌های انتقادی و سبک‌شناسانه خود درباره شعر فارسی و تحولات آن پرداخته است.<sup>۱۵</sup> از این رو انتخاب او از اشعار مندرج در تذکره عرفات، مؤید رویکرد انتقادی او به این تذکره است که در آن هم ذوق و شم ادبی خود را جلوه‌گر می‌کند و هم سلیقه شعری تقی اوحدی را محک می‌زند. به عبارت دیگر تهیه گلچینی از اشعار انتخابی اوحدی در عرفات، که معرف بهترین نمونه‌های شعری شاعران است. توسط آرزو را باید نقطه تلاقی ذوق ادبی و نگاه انتقادی این دو نویسنده به شعر فارسی دانست. مقایسه بین منتخبی که اوحدی از عرفات با عنوان کعبه عرفان فراهم آورده است و منتخب خان آرزو، نشان می‌دهد در بیشتر موارد هر دو نویسنده، ابیات مشابهی را از اشعار شاعران منتخب گزینش کرده‌اند. این رویکرد مشابه، حکایت از نزدیکی ذوق شعری و شم انتقادی آن دو دارد.

### نمونه عینی از سنت تذکره‌نویسی

افزون بر مواردی که برشمردیم، نسخه «انتخاب تذکره تقی اوحدی»، منبع نادر و ارزشمندی در مطالعات مربوط به گردش اطلاعات و تولید و نگارش کتاب‌های تذکره، به طور اعم. و تذکره مجمع النفائس آرزو. به طور اخص. به شمار می‌آید. با مقایسه این اثر با مجمع النفائس می‌توان دریافت خان آرزو چگونه و با چه روشی از اطلاعات گردآوری شده از عرفات در تذکره خود استفاده کرده است و نحوه استناد او به مطالب اخذشده، چگونه بوده است. مقایسه‌ای اجمالی بین این دو اثر نشان می‌دهد آرزو بیشتر این یادداشت‌ها و نمونه‌های اشعار مکتوب در «انتخاب تذکره تقی اوحدی» را بی‌کم‌وکاست و گاه با تغییرات جزئی در کتاب خود وارد کرده است. برای مثال او در شرح احوال «ابوتراب بیگ انجدانی فرقتی» در نسخه مذکور می‌نویسد: «اشعار او را فقیر آرزو سابق نوشته‌ام،

۱۴. خوشبختانه در سال‌های اخیر تحقیقات ممتع و سودمندی در ایران و خارج از ایران درباره سراج الدین علیخان آرزو و دستاوردهای علمی و ادبی او انجام شده است که از آن جمله می‌توان به آثار ذیل اشاره کرد:

Arthur Dudley. *India in the Persian World of Letters: Khān-i Ārzū Among the Eighteenth-Century Philologists*, Oxford: Oxford University Press, 2022; Prashant Keshavmurthy. *Persian Authorship and Canoncity in Late Mughal Delhi: Building an Ark*. London: Routledge, 2016.

نیز، رک. به: رحیم پور، ۱۳۹۲، بر خوان آرزو (گفتارهایی در زمینه نظریه‌های ادبی و زبان‌شناختی سراج‌الدین علی خان آرزو)، قم: مجمع ذخائر اسلامی.

۱۵. برای اطلاعات اجمالی از دیدگاه‌های انتقادی خان آرزو در تذکره مجمع النفائس، رک. به: سیروس شمیسا، شهلا فرقدانی (۱۳۸۹)، «تحلیل دیدگاه‌های انتقادی خان آرزو در تذکره مجمع النفائس»، مطالعات شبه قاره، ۲ (۵)، ص ۲۸۰۷.

چنانچه از تذکره تقی اوحدی درینولا انتخاب زده می نویسم.<sup>۱۶</sup> در تذکره مجمع النفائس هم همین ابیات را همراه با اشعار انتخابی خود آورده است؛ با این تفاوت که اشاره ای به اینکه برخی اشعار انتخابی را از عرفات گرفته، نکرده است.<sup>۱۷</sup> افزون بر مثال یادشده، نمونه های متعدد دیگری وجود دارد که نشان می دهد آرزو روش یکدستی در ارجاع به منابع خود از جمله عرفات اوحدی ندارد؛ به این معنا که گاه به منبع نوشته خود اشاره می کند و گاه نمی کند؛ از این رو در مواردی که به منبع خود اشاره نمی کند، تشخیص اینکه مطلب ذکر شده نوشته خود اوست یا برگرفته از نوشته دیگری است، برای مخاطب دشوار می شود. البته با توجه به اینکه آرزو در دیباچه تذکره خود به طور شفاف بیان کرده از چه منابع و متونی در نگارش مجمع النفائس بهره گرفته است، احتمالاً ضرورتی برای ارجاعات مکرر به منابع و مآخذ خود ندیده است. وی در مقدمه مجمع النفائس به سیر نگارش و چگونگی فراهم آوردن شرح احوال و اشعار شاعران از منابع مختلف اشاره کرده و می نویسد:

«اما بعد می گوید فقیر با بی زبانی خود گرم گفتگو با سراج الدین علی (خان) آرزو که از تباشیر صبح طفلی تا الان که آفتاب زرد پیربست، شوق تمام و محبت مالا کلام به خواندن اشعار فارسیه دارد..... روزی در پیش آشنایی شرح این حال بر زبان گذشت که خوانده و نخوانده از نسیان ما برابر گشت. اتفاقاً آن عزیز بعد دوسه روز سفینه ضخیمی که ساده تر از عذار خوبان و صاف تر از آیینه رخسار محبوبان بود، پیش فقیر آورده تکلیف نمود که حالا هرچه از اشعار اساتذده انتخاب شود، بر این ثبت باید فرمود. هر چند حرف مذکور خالی الذهن گفته بود، لیکن پاس گفتار خود ضرور شد و شروع در انتخاب نموده تا آنکه یکصد دیوان متوسطین و متأخرین که بعضی از آنها کم از چهل هزار و برخی بیش از پانصد بیت نبود، به انتخاب رسید و در سفینه مذکور و اجزای دیگر قلمی گردید و در این بین به خاطر رسید که پاره ای از حالات این عزیزان هم اگر مرقوم شود، دور نباشد. لهذا بعضی از تذکره ها مثل «تذکره تقی اوحدی»، و «تذکره نصرآبادی» و «کلمات الشعراء» و «تحفه سامی» و غیره ها نیز دیده هر آنچه از آنها هم خوش آمد، به نوشتن آن پرداختم و به مجمع النفائس موسوم ساختم.<sup>۱۸</sup>

در عبارت فوق الذکر، آرزو با صراحت بیان می کند پیش از نگارش مجمع النفائس، اقدام به یادداشت برداری و تهیه گزیده هایی از تذکره های مهم قبل از خود از جمله عرفات می کرده است. ذکر این نکته توسط آرزو سند موثقی است که نسخه «انتخاب تذکره تقی اوحدی» پیش از نگارش مجمع النفائس تصنیف شده است. افزون بر آن این نسخه نمونه عینی از روش آرزو در یادداشت برداری و گردآوری اطلاعات از تذکره های دیگر به طور کلی و تذکره عرفات به طور اخص فراروی محققان قرار می دهد؛ در نتیجه موجب فهم دقیق تر و کامل تر ما از روند تألیف تذکره مجمع النفائس می شود.

16. MS 635, 6a.

۱۷. رک به: آرزو، ۱۳۸۳، ج دوم، ۱۲۲۹.

۱۸. آرزو، ۱۳۸۳، ج اول، ۴۴-۴۳.

نکته قابل توجه دیگر که از عبارت بالا مستفاد می‌شود این است که خان آرزو بیشتر به مطالعه و انتخاب اشعار از شاعران متوسط و متأخر پرداخته و به دیوان‌های شاعران متقدم توجه نداشته یا دسترسی نداشته است؛ از این رو در مجمع النفائس اطلاعات مربوط به شرح احوال شاعران متقدم و نیز اشعار منتخب ایشان را از تذکره‌های قبل خود به ویژه عرفات اخذ کرده است. برای مثال در «انتخاب تذکره تقی اوحدی» درباره سنایی می‌نویسد: «دیوانش به قول تقی اوحدی قریب سی هزار است. یعنی هر شش مثنوی در یک بحر...». با توجه به اینکه آرزو عین این عبارت را در مجمع النفائس آورده است، می‌توان نتیجه گرفت در زمان تألیف تذکره خود به آثار سنایی دسترسی نداشته است. نکته دیگر که دلالت بر استفاده گسترده او از عرفات. هم در بخش احوال شاعران و هم نمونه‌های شعری. دارد، بسامد بالای ذکر نام تقی اوحدی و استناد به اقوال اوست؛ تا جایی که می‌توان ادعا کرد به احتمال قوی اگر تذکره عرفات نبود، مجمع النفائس هم به شکل یک تذکره عمومی امکان تألیف نمی‌یافت. از این رو نگارنده بر این باور است که دسترسی خان آرزو به کتاب عرفات و مطالعه دقیق این کتاب، انگیزه بخش وی در تألیف تذکره مجمع النفائس بوده است.

ساختار نسخه «انتخاب تذکره تقی اوحدی» گویای سیر حرکت خان آرزو از گردآوری اشعار دل‌پسند خود از عرفات، به تألیف تذکره‌ای مستقل است؛ به این معنا که خان آرزو ابتدا قصد داشت گزیده‌ای از منتخبات اشعار مندرج در عرفات فراهم کند؛ به همین دلیل صفحات آغازین بیشتر به اشعار اختصاص داده شده و نام شاعر و شرح حال برخی شاعران بسیار مختصر در حد یک جمله آمده است. برای مثال می‌توان به مواردی مانند «اثیر الدین ابهری از جمله کاملان فن است»<sup>۱۹</sup> یا «شیخ آذری محتاج وصف نیست»<sup>۲۰</sup> اشاره کرد. در صفحات بعدی کم‌کم بر حجم توضیحات مربوط به شرح احوال شاعران افزوده می‌شود؛ به گونه‌ای که تقریباً اشعار و شرح احوال شاعران، به یک نسبت در هر برگ گنجانده شده است و بسامد عبارت «فقیر آرزو گوید» که متضمن اظهار نظرهای خان آرزوست، بیشتر دیده می‌شود. افزون بر این نویسنده نسخه به مرور از انتخاب صرف از تذکره عرفات، فاصله گرفته و گاهی نظرات تذکره‌نویسان دیگر را هم در شرح احوال برخی شاعران گنجانده است؛ برای مثال در شرح حال زلالی خوانساری (درگذشته ۱۰۲۳ ق)، آرزو افزون بر نقدی که بر تقی اوحدی وارد می‌کند، دیدگاه‌های نویسندگان متأخرتر مانند طغرایی مشهدی (درگذشته ۱۰۷۸ ق) و نصرآبادی (درگذشته احتمالاً ۱۰۹۹) را هم ثبت کرده که بعدها عیناً در تذکره مجمع النفائس آورده است.<sup>۲۱</sup> به این ترتیب از بخش‌های میانی، نسخه از هدف اولیه مصنف فاصله گرفته و در نهایت شکل تذکره پیدا می‌کند که باید آن را پیش‌نویس مجمع النفائس محسوب کرد.

19. MS 635, 2a.

۲۰. همان، ۳۵.

۲۱. آرزو، ۱۳۸۳، ج اول، ۴۷۷.



از طرفی دست خط مؤلف نیز به مرور دستخوش تغییر می شود، به گونه ای که این تصور برای مخاطب ایجاد می شود که شاید نسخه توسط دو فرد متفاوت نوشته شده باشد؛ اما در واقع هر دو بخش به خط شخص خان آرزو نوشته شده است، با این تفاوت که در چند برگ اول و آخر به نظر می رسد وی قصد داشته است مجموعه ای زیبا با خط خوش و نظم و ترتیب از اشعار عرفات فراهم آورد؛ اما در ادامه تغییر روش داده و تلاش کرده است آن را تبدیل به منتخبی از مطاوی تذکره عرفات کند و دیدگاه های خود را نیز بر آن بیفزاید.

با قطعیت نمی توان درباره مدت زمان گردآوری این مجموعه اظهار نظر کرد؛ اما مقایسه رسم الخط ها نشان می دهد از برگ ۱۰ به بعد، نویسنده به زیبایی و خوش خطی و نظم اثر چندان توجهی نداشته و بیشتر بر درج مطالب و اشعار متمرکز بوده است؛ از این رو سطرها و عبارات تا حدی در هم ریخته می شود و گاه خواننده را دچار سردرگمی می کند؛ چنان که در پیدا کردن ادامه مطالب به زحمت می افتد. در برگ های پایانی می توان نظم و خوش خطی برگ های آغازین را دید که می تواند مرتبط به تجلید نسخه باشد و نه تقدم و تأخر نوشته ها. این روند در یادداشت هایی که احتمالاً مرقومه خان آرزوست در آغاز و پایان نسخه هم دیده می شود؛ به این معنا که در ابتدا به ذکر تعداد ابیات مندرج در عرفات پرداخته و در پایان با صراحت از آن به عنوان تذکره یاد کرده، می نویسد: «چون به دست این تذکره طیار نمودم، اسامی ششصد هشتاد و هشت شعرا بشمار آمدند».<sup>۲۲</sup>

## ۲. مجاللی برای گفتگوی دو نویسنده

یکی از ارزش های مهم دیگر این نسخه این است که مطالعه و گردآوری گزیده ای از عرفات اوحدی، مجاللی برای خان آرزو فراهم کرده است تا بتواند در غیاب نویسنده با او وارد نوعی گفتگوی انتقادی شود.<sup>۲۳</sup> بنابراین خان آرزو در این اثر به عنوان یک گزینش گر منفعل عمل نکرده است و کوشیده است با تکیه بر دانش و ذوق انتقادی خود به نظرات تقی اوحدی در باب برخی شاعران و شعر آنها پاسخی نقادانه بدهد یا بر آنها بیفزاید. نکته جالب توجه این است که هر چند آرزو در مقابل اوحدی و نظرات او متواضعانه عمل کرده است، در چند مورد نتوانسته است از رویکرد جانب دارانه دور بماند؛ برای مثال خان آرزو در شرح حال میرزا جعفر بن بدیع الزمان ملقب به آصف خان می نویسد:

«میرزا جعفر بن بدیع الزمان قزوینی ملقب به آصف خان در عهد شاه اسمعیل از ایران به هند آمده و در

22. MS 635, 59a.

۲۳. نگارنده در مقاله ای که اخیراً به چاپ رسیده است، به نقش تذکره عرفات العاشقین اوحدی و نیز مجمع النفائس خان آرزو در تاریخ ادبیات و نقد ادب فارسی پرداخته و نشان داده است چگونه آرزو با میراث ادبی اوحدی تعامل کرده و با تکیه بر عرفات آرای انتقادی سبک شناسانه و تاریخ ادبی را غنای بیشتر بخشیده و گسترش می دهد. برای جزئیات بیشتر نک:

Farghadani, Shahla (2022). "A History of Style and a Style of History: The Hermeneutic of *Tarz* in Persian Literary Criticism." *Iranian Studies*, vol. 55, no. 2, pp. 501-19.

عهد اکبر پادشاه، به مدارج علیه ترقی نموده، به منصب وزارت رسیده دیوان اعلی شد و در سلطنت جهانگیر پادشاه به اتالیقی سلطان پرویز سرفراز گشته، بتسخیر دکن پرداخت. بسیار صاحب ثروت بوده، بعد وفاتش یک کرور پنجاه لک روپیه از نقد و جنس داخل خزانه پادشاهی شد. مثنوی شیرین و خسرو که دوهزاروپانصد بیت است، گفته، زحمت بسیار کشیده تا اینجا سخن تقی اوحدی. فقیر آرزو گوید که این سخن او ظاهراً از راه ناانصافی است، والا مثنوی مذکور دیده شده در بعضی از جاها عجب مضامین تازه یافته و بسته و اندازه‌ای بلند داده، چنانچه بر سخن فهم بعد مطالعه روشن می‌شود و کلیات مختصری دارد مشتمل بر نظم و نثر و خالی از دقت نیست و سخن او هرچند به کمیت کم است، اما به کیفیت پای کمی از دیگران ندارد.<sup>۲۴</sup>

براساس نوشته فوق، آرزو اطلاعاتی از نقد اوحدی در ارتباط با آصف خان به مخاطب نمی‌دهد؛ از این رو ما با یک شکاف میان نقل آرزو از اوحدی با انتقادش از وی درباره شعر آصف خان مواجه می‌شویم. به عقیده نگارنده، این شکاف به دلیل درج اطلاعات ناقص از مطالب مطرح شده توسط اوحدی و نقد جانب‌دارانه و احساسی آرزو ایجاد شده است. در واقع آرزو نتوانسته است ارتباطی منطقی میان نظر اوحدی درباره آصف خان و نقد خودش از گفته‌های اوحدی برقرار کند؛ به گونه‌ای که مخاطب متوجه منظور آرزو از «ناانصافی» اوحدی نسبت به آصف خان نمی‌شود. به این ترتیب رجوع به کتاب عرفات و آگاهی از گزارش اوحدی از شرح حال و اشعار آصف خان شاید بتواند در فهم منظور آرزو و نیز پرکردن شکاف یادشده به ما کمک کند. هرچند با مراجعه به کتاب عرفات و اطلاع کامل از نوشته اوحدی در باب آصف خان باز نمی‌توان ربط معناداری میان نوشته اوحدی و نقد آرزو پیدا کرد.

اوحدی در عرفات، آصف خان را به دلیل اینکه با وجود داشتن تمکن مالی فراوان، نسبت به حمایت و دستگیری مالی شاعران بی‌توجه بوده است، مورد انتقاد قرار داده و می‌نویسد: «... اما با این همه ادراک و حالت و جمعیت و موونت و منصب و قدرت، مسموع کس نشده که در مدت حیات، دستگیری یا نوازشی به یکی از یاران قرارداده کرده باشد، یا انعام و اکرامی که می‌توان گفت به یکی از فضلا و شعرا و ارباب حاجت نموده باشد الا نادرا و شاذاً. اگر احیاناً شاعری به جهت وی شعر گفتی، به جایزه همان شعر را در مدح او جواب گفتی».<sup>۲۵</sup> افزون بر این در جمله‌ای آصف خان را با عبارت «ادراکی تیز،

۲۴. ۸. b. ۲۴۱. گفتنی است هرچند ترجیح نگارنده آن بود که در شیوه سجاوندی و رسم الخط به متن نسخه پایبند باشد؛ اما برای اینکه جملات و کلمات برای خواننده کمتر آشنا به رسم الخط‌های گذشته آسان‌تر باشد، بر آن شد تا برخی جملات و کلمات را مطابق رسم الخط امروزی ویرایش کند. برای نمونه در مواردی که پیوستگی «ب» حرف اضافه با کلمه بعد از خود مانند «باتالیقی» امکان خوانش نادرست را ایجاد می‌کرد، از حرف اضافه «به» به شیوه امروزی استفاده کرده است؛

گفتنی است عنوان مثنوی آصف خان در نسخه‌های عرفات، «فرهاد و شیرین» آمده است؛ اما همان‌طور که ملاحظه می‌شود، آرزو عنوان «شیرین و خسرو» را به جای آن استفاده کرده است. به نظر می‌رسد در دوره‌های بعد از اوحدی، این منظومه او با عنوان‌های دیگری از جمله «شیرین و خسرم» یا «خسرو و شیرین» شناخته شده است.

۲۵. اوحدی، ۱۳۸۹، ج اول، ۶۲۴.

طبیعتی تند و خاطری گرفته» توصیف کرده است.<sup>۲۶</sup> غیر از این دو مورد، اوحدی نه تنها نقد صریح یا غیرمنصفانه‌ای از اشعار آصف خان نکرده است، بلکه رتبه شاعری او را با عباراتی چون «نهایت روانی طبع و دقت فهم، صفای ذکا و زکای فطنت داشت» ستوده و نمونه‌های شعری متعددی از او در تذکره خود آورده است که دیدگاه مثبت او را به قدرت شاعری آصف خان نشان می‌دهد.<sup>۲۷</sup> این رویکرد مثبت اوحدی در ارزیابی اش از شعر آصف خان، نسبت «ناانصافی» ای که آرزو به وی می‌دهد را نه تنها توجیه نمی‌کند، بلکه موضوع را پرسش برانگیز نیز می‌کند.

شاید بتوان گفت نقد آرزو نتیجه برداشت او در این عبارت اوحدی «در آن زحمت بسیار کشیده» باشد؛ به گونه‌ای که گفته اوحدی را به منزله ضعف شاعری آصف خان تلقی کرده است؛ به این معنا که در سرودن منظومه اش متحمل رنج و مشقت شده است. به نظر می‌رسد آرزو بعدها نقد خود از اوحدی را متقاعدکننده نیافته است؛ به همین دلیل ترجیح داده آن را در سطح یادداشت‌های شخصی نگاه داشته و عمومیت نبخشد. بر این اساس آرزو یادداشت مربوط به آصف خان را در مجمع النفاثس وارد نکرده و حتی ترجیح داده است از روایت اوحدی در عرفات در شرح احوال آصف خان کاملاً چشم‌پوشی کند. با این رویکرد آرزو به شرح حال ستایش‌گونه از آصف خان بسنده کرده و به تبعیت از نصرآبادی، درباره خسرو و شیرین آصف خان می‌نویسد: «بعد از شیخ نظامی مثل او کسی نگفته».<sup>۲۸</sup> او همچنین قدرت شاعری آصف خان را در غزل چنین می‌ستاید: «دیوان غزل او اگرچه کم است اما همه منتخب (اگر انصاف کنند) این هم غنیمت است از او که با وجود مشاغل عظیمه، گاهی به شعر می‌پرداخت و دماغش وفا می‌کرد».<sup>۲۹</sup>

با توجه به توضیحات ذکرشده، نگارنده بر این باور است که یادداشت و نقد آرزو نسبت به اوحدی را که فقط در «انتخاب تذکره تقی اوحدی» ثبت شده است، باید سند مهمی در مطالعات تاریخ ادبیات و نقد ادبی به شمار آورد. در واقع این یادداشت به خوبی نشان می‌دهد چگونه تجربه زیستی و حرفه‌ای نویسندگان تذکره بر رویکرد آنان در شرح احوال شاعران تأثیر می‌گذاشت. از این منظر اوحدی به عنوان یک شاعر مهاجر ایرانی معاصر با آصف خان که از نزدیک شاهد قدرت، ثروت و دستگاه عریض و طویل او بوده و احیاناً چشم‌داشتی به حمایت‌های او داشته است، تجربه کاملاً متفاوتی با خان آرزو که یکصدسال پس از آصف خان می‌زیست، داشته است. اوحدی مانند بسیاری از شاعران مهاجر

۲۶. همان.

۲۷. همان.

۲۸. مجمع النفاثس، ۱۳۸۳، ج اول، ۳۳۸. گفتنی است هرچند آرزو در توصیف خود از منظومه «خسرو و شیرین» آصف خان اشاره‌ای به منبع خود نمی‌کند؛ اما مقایسه عبارت او با تذکره نصرآبادی تردیدی باقی نمی‌گذارد که قضاوتش درباره منظومه آصف خان متأثر از این گفته نصرآبادی است که نوشته است: «باعتماد ناقص کمیته بعد از شیخ نظامی خسرو و شیرین را کسی به ازو نگفته». نک: نصرآبادی، ۱۳۱۷، ۵۳.

۲۹. مجمع النفاثس، ۱۳۸۳، ج اول، ۳۳۸.

در هند به امید برخورداری از پشتیبانی مادی و معنوی بزرگان و امرای دولت گورکانی رهسپار هند شده بود. او که امساک آصف خان در حمایت از شاعران و فضیلت ایرانی و از جمله خود را از نزدیک تجربه کرده بود، در تذکره خود مجالی یافته تا تصویری شفاف از آصف خان و شخصیت ممسک او به دست دهد. حال آنکه خان آرزو که به فاصله یکصدسال از اوحدی و در زمان و موقعیتی متفاوت با او می زیست، دیدگاه متفاوتی به آصف خان و کارنامه زندگی او دارد. آرزو در عصر پرتلاطمی زندگی می کند که هیچ شباهتی به دوران پرشکوه و طلایی پادشاهان گورکانی نظیر جهانگیر شاه و شاه جهان و امرای مقتدر ایشان ندارد؛<sup>۳۰</sup> از این رو طبیعی است که در چنین شرایط نابسامان اقتصادی و سیاسی - اجتماعی، شخصیت کلیدی و تأثیرگذاری چون آصف خان که نقش تعیین کننده ای در ساختار آن دوران طلایی دارد، در حافظه آرزو و همتایان او به یک چهره آرمانی تبدیل شود. بنابراین آرزو حتی اگر به روایت اوحدی باور هم داشته است، نخواست است همسو با اوحدی از خساست طبع آصف خان و عدم حمایتش از شاعران و فضلا بنویسد و به چهره آرمانی او خدشه ای وارد کند. در نتیجه تصمیم گرفته است تا در مجمع النفائس، روایت تقی اوحدی از آصف خان را کاملاً نادیده بگیرد و به این ترتیب مانع بازتولید تصویر نه چندان قابل ستایش آصف خان در تاریخ ادبیات شود.

مثال فوق به خوبی مؤید ارزش نسخه «انتخاب تذکره تقی اوحدی» است که در سایه آن می توان تضاد دیدگاه و داوری دو نویسنده در گزارشی که از شرح احوال یک شاعر به دست می دهند، مشاهده کرد. افزون بر این روشن می کند محقق برجسته ای مانند آرزو با چه رویکردی با دیدگاه های منتقد دانشمندی چون اوحدی مواجه می شود و در نهایت با نادیده گرفتن گزارش وی در شرح احوال آصف خان، این معادله را در غیاب اوحدی به نفع دیدگاه خود به نتیجه می رساند.

### ۳. منبعی موثق برای تصحیح دیگر نسخ

اهمیت دیگر این نسخه، کاربرد آن در تصحیح متن و رفع مشکلات مربوط به خوانش اشعار یا شرح احوال شاعران در تذکره مجمع النفائس است. طبق مقایسه اجمالی که نگارنده میان مطالب مندرج در این نسخه و تذکره مجمع النفائس انجام داده، به این نتیجه دست یافته است که این نسخه می تواند در رفع اشکالاتی که در نسخه چاپی مجمع النفائس - که توسط زیب النساء علی خان تصحیح شده است - وجود دارد، بسیار راهگشا و سودمند باشد. برای روشن شدن بیشتر موضوع و اثبات این مدعا، در ادامه چند شاهد ارائه می شود.

مقایسه شرح احوال مولانا اهلی شیرازی در مجمع النفائس با «انتخاب تذکره تقی اوحدی» می تواند شاهی بر این مدعا باشد.

۳۰. شمه ای از شرایط سیاسی و فرهنگی شبه قاره هند در عصر خان آرزو به قلم زیب النساء علی خان، مصحح مجمع النفائس در مقدمه آورده شده است که برای درک کلی از آن دوران مفید است. نک: آرزو، ۱۳۸۳، ج اول، ۱۲-۱۱.

### مجمع النفائس:

«کمالاتش به آن پایه نرسیده که با پای چوبین قلم طی وادی توصیف آن توان نمود. یکی از شواهد پیغمبری شعرش «مثنوی سحر حلال» است که هر دو بیت آن ذوبحیرین و ذوقافیتین واقع است. ترجیح و تجنیس و دیگر صنایع علاوه آن با وصف این از مزه و نمک فصاحت و رتبه سخن که با تکلف صنایع کم جمع می شود، نیفتاده».<sup>۳۱</sup>

### انتخاب تذکره تقی اوحدی:

«کمالاتش به آن پایه برسیده که بیای چوبین قلم طی وادی توصیف آن توان کرد. یکی از شواهد پیغمبری، مثنوی سحر حلال است که هر بیت او ذوبحیرین و ذوقافیتین و ترصیع و تجنیس و دیگر صنایع و بدایع دارد. با وجود این از مزه و نمک و حلاوت و رتبه سخن که با تکلف صنایع کم جمع شود خالی نیست».

همان طور که ملاحظه می شود در نسخه مجمع النفائس اشکالات و اغلاط چندی به چشم می خورد؛ مثل استفاده «نرسیده» به جای «برسیده» و «ترجیح» به جای «ترصیع». افزون بر این جمله پایانی بسیار مغشوش و درهم ریخته است؛ به گونه ای که فهم معنای عبارت و منظور نویسنده را برای خواننده مشکل می کند؛ حال آنکه همین عبارت در نسخه «انتخاب تذکره تقی اوحدی» از نظم و نسق منطقی برخوردار است و معنای آن نیز روشن است. از این رو نسخه مذکور که توسط خود آرزو نوشته شده است، خالی از اغلاط و بدخوانی های کاتبان است و از این منظر می تواند در تصحیح اغلاط راه یافته به تذکره مجمع النفائس یاری رسان باشد.

نمونه دیگر در نسخه «انتخاب تذکره تقی اوحدی» در شرح احوال عبدالله خان اوزبیک پس از عبارت «معاصر شاه طهماسب صفوی» نوشته شده «ازوست».<sup>۳۲</sup> مصحح مجمع النفائس عبارت «ازوست» را از متن اصلی حذف کرده و در پانویست توضیح داده که عبارت مذکور در دو نسخه دیگر آورده شده است. البته ایشان توضیح نداده اند چرا تصمیم گرفته اند این عبارات را حذف کنند. به هر حال با توجه به اینکه عبارت «ازوست» در نسخه «انتخاب تذکره تقی اوحدی» و نیز دو نسخه خطی دیگر از مجمع النفائس آمده است، باید جزء متن به شمار آید. افزون بر این آرزو مکرر این عبارت را قبل از ذکر نمونه های شعری می آورد؛ از این رو نباید یک عبارت الحاقی قلمداد شود.

افزون بر عبارات در شرح احوال شاعران، این نسخه می تواند در تصحیح و خوانش درست برخی نمونه های شعری مندرج در مجمع النفائس استفاده شود؛ برای مثال در یک نمونه شعری از الف ابدال در مجمع النفائس اینگونه ضبط شده است: «دار دنیا نه مقام من ثابت قدم است / من و آن

۳۱. مجمع النفائس، ۱۳۸۳، ج ۱، ۸۳.

۳۲. همان، ج ۲، ۱۰۴۱.

دار که دروازه شهر عدم است»؛ حال آنکه در نسخه «انتخاب تذکره تقی اوحدی» در مصرع دوم «دروازه ملک عدم» آمده است. با توجه به اینکه در عرفات العاشقین هم «دروازه ملک عدم» ضبط شده است، ثابت می‌کند ضبط «شهر عدم» در نسخه چاپی مجمع النفائس ناصحیح است.<sup>۳۳</sup> در نمونه شعر مولانا عیاری در نسخه چاپی مجمع النفائس «دی که پیش آمد بره آن دلبر رعنا مرا» ضبط شده است؛ درحالی که در نسخه انتخاب تذکره اوحدی «دی چو پیش آمد بره آن دلبر رعنا مرا» آمده که ضبط اخیر صحیح است.

### نتیجه‌گیری

نسخه «انتخاب تذکره تقی اوحدی» منتخبی است از تذکره عرفات العاشقین و توسط سراج الدین علیخان آرزو در هند تصنیف و کتابت شده است. این نسخه که اکنون در کتابخانه جان ریلندز دانشگاه منچستر نگهداری می‌شود، از منظر تاریخی، ادبی و نسخه‌شناسی اثری ارزشمند است. نگارنده بخت این را داشت که نسخه مذکور را که فقط نامی از آن در چند فهرست ثبت شده بود و اطلاعات مربوط به آن نیز به درستی انعکاس نیافته بود و به نوعی گمنام مانده بود، از نزدیک بررسی کند و نسبت به معرفی مؤلف، کاتب آن و نیز محتویات نسخه اقدام کند. این نسخه که تاکنون نام مؤلف، کاتب آن ناشناخته مانده بود، افزون بر ارزش ذاتی، به عنوان دست‌نوشته خان آرزو، ادیب و محقق برجسته هندی در قرن دوازدهم قمری، می‌تواند زمینه‌ساز مطالعات تازه‌ای درباره‌ی ژانر تذکره‌نویسی در دوره صفوی، گورکانی، همچنین روند گردآوری اطلاعات اینگونه کتب باشد. همچنین این نسخه می‌تواند افق‌های تازه‌ای برای شناخت بیشتر تذکره عرفات العاشقین اوحدی، چگونگی اقبال از این اثر، تأثیرگذاری آن بر نویسندگان دوره‌های پسین و رشد و گسترش تذکره‌نویسی برای محققان بگشاید. در پایان گفتنی است نسخه مورد بحث، در رفع مشکلات متنی مجمع النفائس بسیار سودمند است.

### منابع فارسی

- آرزو، سراج الدین علیخان؛ تذکره مجمع النفائس؛ تصحیح زیب النساء علی خان (سلطان علی)؛ اسلام آباد پاکستان؛ مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، ۱۳۸۳.
- اوحدی حسینی دقاقی بلیانی اصفهانی، تقی الدین محمد؛ عرفان العاشقین و عرصات العارفین؛ تصحیح ذبیح الله صاحبکار و آمنه فخر احمد؛ تهران؛ میراث مکتوب، ۱۳۸۹.
- رحیم پور، مهدی؛ بر خوان آرزو؛ گفتارهایی در زمینه نظریه های ادبی و زبان شناختی سراج الدین علی خان آرزو؛ قم؛ مجمع ذخائر اسلامی، ۱۳۹۲.
- شمیسا، سیروس و شهلا فرقدانی؛ «تحلیل دیدگاه های انتقادی خان آرزو در تذکره مجمع النفائس»؛ مطالعات شبه قاره، شماره ۵، زمستان ۱۳۸۹.
- واله داغستانی، علیقلی خان؛ ریاض الشعراء؛ تصحیح و ترتیب شریف حسین قاسمی؛ دهلی؛ کتابخانه رضا رامپور، ۲۰۰۱ م.

### منابع خطی

انتخاب تذکره تقی اوحدی، نسخه شماره ۵۳۵، کتابخانه جان ریلندز

### منابع انگلیسی

- Dudney, Arthur (2022). *India in the Persian World of Letters: Khān-i Ārzū Among the Eighteenth- Century Philologists*, Oxford: Oxford University Press.
- Crawford, James Ludovic Lindsay and Kerney, (1898). *M. P. Bibliotheca Lindesiana. Hand List of Oriental Manuscripts*. Priv. print. [Aberdeen university press].
- Farghadani, Shahla (2022). "A History of Style and a Style of History: The Hermeneutic of Tarz in Persian Literary Criticism." *Iranian Studies*, vol. 55, no. 2, pp. 501–19, doi:10.1017/irn.2021.2.
- Littell, Robert S., 1831-1896, and Eliakim Littell. (1858). *Littell's Living Age*, Boston, Mass.: T.H. Carter & Co.], vol.104, 141.
- Keshavmurthy, Prashant (2016). *Persian Authorship and Canonicity in Late Mughal Delhi: Building an Ark*. London: Routledge.



The image shows a page of handwritten Persian text in a cursive script, likely from a manuscript. The text is written on aged, yellowish paper with some red ink used for headings or emphasis. The script is dense and fills most of the page. The text is written in a cursive style, with some words in red ink. The paper shows signs of age, including some staining and discoloration. The text is arranged in several columns, with some lines starting with red ink. The overall appearance is that of an old, well-used manuscript page.





نمونه مهرهای درج شده  
مالکان نسخه  
(شماره ۶۳۵)،  
کتابخانه جان ریلندز